

تبیین ساختارمند مؤلفه‌های دانش تربیت اسلامی (منطق، مؤلفه‌ها) *

□ احمد عربیان*

چکیده

هدف اصلی همه ادیان آسمانی به ویژه اسلام، تربیت انسان است. قرآن کریم و روایات آکنده از معارف تربیتی و دارای برنامه تربیتی جامع برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها و در همه عرصه‌های زندگی است. در این زمانه که مسأله‌های تربیتی به شدت پیچیده و گسترده شده است، معارف تربیتی اسلام در قالب یک دانش مستقل که بتواند بستری کارآمد جهت حل این مسأله‌ها فراهم آورد، به صورت کامل تدوین نشده است. تدوین این دانش نیازمند توجه به همه مباحث و مؤلفه‌های تربیتی است که تحقق آن منوط به ارائه ساختاری کامل، منطقی و منسجم است. گرچه در آثاری که تاکنون در تربیت اسلامی تدوین شده، ساختاری برای کتاب در نظر گرفته شده، اما مسأله اصلی آن‌ها تبیین ساختار نظریه‌پردازی درباره آن نبوده است. همچنین همه مؤلفه‌های ساختار دانش را نیز دربر ندارد. ضمن آن‌که روش آن‌ها نیز اجتهاد جامع نبوده است. این پژوهش با روش تحلیلی و توصیفی به تبیین ساختار و ارتباط مؤلفه‌ها با یکدیگر و نقد و بررسی دیدگاه‌های دیگران پرداخته است و اهم نتایج به دست آمده عبارت است از: منطق حاکم بر مؤلفه‌های تربیت، نسبت خاصی را میان آن‌ها نشان می‌دهد که در این میان، مبانی پایه و ریشه و اهداف جهت‌دهنده به همه مؤلفه‌ها و اصول حاکم بر روش‌هاست و بقیه نیز مرتبط با این سه مؤلفه است و با توجه به آنها شکل می‌گیرد، مؤلفه‌های دانش تربیت نیز عبارت اند از: مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها، عوامل، موانع، آثار، مراحل، ساحت‌ها و برنامه‌ها. **واژگان کلیدی:** تربیت اسلامی، دانش تربیتی اسلامی، ساختار تربیت اسلامی، مؤلفه‌های تربیت اسلامی، منطق ساختار تربیتی اسلامی.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۲/۲۳؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۶/۱۰.

** استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و مدیر حوزه علمیه الهادی، قم، ایران. /a.za.za.za.1305@gmail.com

مقدمه

دانش مجموعه قضایای کلی است که محور خاصی برای آن‌ها لحاظ شده (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۶۷/۱). این محور از منظر بعضی اندیشمندان، موضوع یا محمول و به نظر برخی، غرض آن علم است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۷). دانش، برخوردار از ساختاری است که در آن به‌همه مباحث مرتبط با آن توجه می‌شود و بر اساس نسبت منطقی که بین مباحث و مسأله‌های دانش وجود دارد، تدوین می‌شود. در تولید هر دانشی، لازم است به‌صورتی کلی، علم مورد شناخت قرار گرفته و ساختار آن معین گردد. زیرا ساختار دانش، نقشه علمی آن است که مسیر و مرزهای دانش را مشخص می‌کند. فهم آن به‌فهم جامع و عمیق از علم و جوانب آن کمک می‌کند و زمینه را برای تولید علم در ابعاد مختلف و نظام مسایل آن فراهم می‌کند. همچنین بستر نظریه‌پردازی و مهندسی علم در مرزهای جدید را به‌وجود می‌آورد (مؤمنی، ۱۳۸۵: ۳۹ و فضل‌ی، ۱۳۷۶: ۲۱۲، آصف آگاه و اسلامی، ۱۳۹۹: دوره ۲/ش ۴۰/۱).

اهمیت ساختار به‌اندازه‌ای است که در تدوین هر علم و تالیف هر کتاب، به‌ساختار توجه می‌شود، زیرا فواید فراوانی به‌دنبال دارد از جمله، توجه به‌همه مباحث دانش، نظم و ترتیب یافتن مطالب آن و آسان شدن آموزش و فراگیری آن.

تولید دانش نو پای تربیت اسلامی نیز بمانند دیگر دانش‌ها به‌مهندسی نیاز دارد تا به‌عنوان یک دانش مستقل به‌صورت نظام‌مند، طراحی شده و ارائه‌دهنده دیدگاه دین در نظام مسایل تربیت باشد.

پژوهش حاضر با روش تحلیلی - توصیفی و به‌شیوه جمع‌آوری اسنادی و کدگذاری محتواهای مباحث قرآنی، روایی و معارفی و تحلیل تجربیات اخلاقی و تربیتی ابتدا به‌تبیین منطق ساختار دانش تربیت و سپس به‌تبیین مؤلفه‌های آن می‌پردازد.

پیشینه و نوآوری

از گذشته تا کنون دانشمندان به‌ساختارمندی دانش با تنظیم و ترتیب مباحث در هر دانش و هر کتابی توجه داشته‌اند. در مقدمه کتاب‌های خود با بیان رئوس ثمایه هر علم در این جهت تلاش

نموده‌اند. در دانش فقه، مباحث فقهی در کتاب‌های عبادات و معاملات ارائه شده و مانند آن در دانش‌های دیگر مثل اصول فقه و فلسفه نیز رخ داده است.

به‌طور خاص در مورد ساختار دانش‌های مختلف، در سال‌های اخیر آثاری نگاشته شده، مانند مقاله‌های «ساختار دانش فلسفه معرفت»، نوشته عبدالحسین خسروپناه، «بررسی ساختارهای پیشنهادی علم فقه»، نوشته سید محمدرضی آصف آگاه، «بازخوانی ساختار دانش فقه»، نوشته امین کرباسی زاده، «ساختار کلی علم کلام»، نوشته حسین حجت‌خواه، «توصیف، تحلیل و تبیین معرفتی ساختار علم برهانی الهیات»، نوشته امیرعباس علی‌زمانی، «ساختار علوم حدیث»، نوشته حیدر مسجدی، «ساختار فقه تمدنی»، نوشته عبدالحمید واسطی.

اما در مورد دانش تربیت اسلامی، اثر خاصی که به‌صورت مستقل ساختار آن را تبیین کند و به‌صورت تحلیلی درصدد تبیین منطق و ارائه الگویی در این زمینه باشد و روشی معتبر در تولید محتوا در مؤلفه‌های این دانش بیان کند نگاشته نشده، گرچه در برخی کتب تربیتی مانند کتاب فلسفه تعلیم و تربیت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی و فقه تربیت آیت‌الله علی‌رضا اعرافی، ساختاری ارائه شده اما مسأله اصلی آن‌ها تبیین ساختار نبوده است. از این جهت این پژوهش، کار نویی است. همچنین ساختار پیشنهادی در این مقاله بر اساس روی‌کرد و روش اجتهاد جامع است و مؤلفه‌های ساختار نیز تکمیل شده است.

مفهوم‌شناسی

ساختار دانش

ساختار، در زبان فارسی به‌معنای چگونگی ساختمان چیزی و ترتیب اجزا و بخش‌های یک جسم (معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه) آمده است. در گذشته استفاده از واژه ساختار به‌معنای کنونی متعارف نبوده، اما یکی از مفاهیم نزدیک به مفهوم ساختار که در لغت‌نامه دهخدا مطرح شده، استخوان‌بندی است و به‌معنای بندوبست اعضا و کنایه از درست کردن انگاره و بستن ترکیب الفاظ و عبارات است (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه). با تأمل در مفهوم ساختار در لغت، دو عنصر اساسی «اجزا» و «ترتیب»، یافت می‌شود که لازمه عقلایی آن‌چینش منطقی میان آن‌ها است.

اصطلاح ساختار دانش به معنای شیوه آرایش و روش سامان‌دهی مسایل یک علم بر اساس ارتباط معقول و منسجم میان آن‌ها برای دستیابی به اهداف آن علم است (آصف آگاه و اسلامی، ۱۳۹۹: دوره ۲/ش ۱/۴۰). در تعریفی دیگر چنین آمده: واژه ساختار بیان‌گر نظم و نسق مجموعه‌ای از اشیا، اجزا و نیروهایی است که به‌گونه‌ای کنار هم قرار گرفته‌اند که کلی خاص را تشکیل می‌دهند (آقا بخشی ۱۳۷۶: ۳۲۱/۱).

همچنین ساختار را، تنظیم و طبقه‌بندی مباحث یک علم و روشن کردن جایگاه آن با توجه به ملاک‌های ترتیب منطقی و تقسیم مباحث به موضوع، مبادی و مسایل (علی پور، ۱۳۷۵: ۵) دانسته‌اند. در تعریفی دیگر، ساختار دانش، آشکار کردن، ترتیب بندی سلسله مراتبی و تقدم و تأخر بخش‌ها و زیربخش‌ها دانسته شده (مومنی ۱۳۸۵: ۳۹ و فضلی، ۱۳۷۶: ۲۱۲).

جمع‌بندی

با تأمل در مفهوم ساختار در لغت و اصطلاح عناصر اساسی اجزا و ترتیب، سامان‌دهی، انسجام و ارتباط معقول یافت می‌شود که لازمه عقلایی آن چینش منطقی میان آن‌هاست اما در تعاریف فوق به‌شاخصی که باعث می‌شود یک مؤلفه در ساختار دانش جای بگیرد اشاره نشده است. در نتیجه، مقصود از ساختار، ارائه منسجم، منطقی و نظام‌مند مؤلفه‌های مرتبط با یک دانش است که در تولید محتوا و حل مسأله‌های مربوط به آن دانش دخالت دارد.

تربیت

واژه تربیت، مصدر باب تفعیل از ماده «رَبَوَ» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۷/۱). که به دلیل معتدل و ناقص بودن ریشه لغوی آن، مصدرش همانند «ترکیه» بر وزن «تفعله» آمده است. ماده «رَبَوَ» به معنای رشد و نمو، (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۴۸۳)، زیاد و افزون شدن (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۸۳/۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۰). و علو و ارتفاع (جوهری، ۱۳۷۶: ۶/۲۳۵۰) است.

برخی ریشه اصلی واژه «تربیت» را «رَبَبَ» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۴۰۱، زبیدی، ۱۴۱۴: ۲/۶۴). مضاعف دانسته‌اند که در وزن تفعله، باء جهت تخفیف قلب به یاء شده. که به معنای اصلاح و شایسته نمودن، (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۳۸۱) مالک بودن (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۵/۱۲۸، جوهری،

۱۳۷۶ق: ۱/۱۳۰)، تربیت کردن (فیومی، ۱۴۱۴ق: ۲۱۴) است. راغب در مفردات می‌گوید: تربیت به معنای انشا و ایجاد تدریجی شی تا رسیدن به حد تمام آن و مربی کسی است که مصلحت موجود متربی را بر عهده دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۳۶).

تغییر و تحول در تربیت می‌تواند کمی و یا کیفی باشد. مفهوم دیگری که در تربیت وجود دارد و برخی بدان تصریح کرده‌اند تدریجی بودن رشد و تربیت در عالم طبیعت است. در مجموع از بحث لغوی به دست می‌آید که تربیت در لغت به معنای رشد دادن تدریجی متربی است. برای اصطلاح تربیت تعریف‌هایی بیان شده، شهید مطهری (ره) چنین نگاشته: «تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعداد‌های درونی‌ای را که بالقوه در یک شی موجود است به فعلیت درآوردن» (مطهری، ۱۳۹۵: ۲۲/۷۱۵).

علامه مصباح نیز نوشته‌اند: «تربیت»، عبارت است از فراهم ساختن زمینه‌های رشد و شکوفایی تربیت‌پذیر و رساندن او به مرحله‌ای که استعدادها و قابلیت‌هایش را بروز دهد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۵: ۳۷).

آیت‌الله اعرافی معتقد است تربیت: «فرایند یاری‌رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان، در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دست‌یابی وی به کمال انسانی و شکوفا کردن استعداد‌های او با بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد» (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱/۱۴۱).

هرچند در آثار علامه طباطبایی (ره) تعریف مجزا برای تربیت یافت نشد، اما در المیزان مؤلفه‌های مطرح شده که در تعریف تربیت می‌توان از آن استفاده نمود مانند: ۱. امری دارای منشا و محور الهی (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷/۱۲ و ۱/۳۶۰)؛ ۲. دارای فرایند تدریجی (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵/۲۱۱ و ۱۰/۳۱۰)؛ ۳. فراهم آوردن شرایط (همان: ۹/۲۴۰ و ۶/۲۵۸)؛ ۴. توجه به ظرفیت‌ها و استعداد‌های بالقوه (همان: ۴/۲۴۸ و ۵/۳۴۳) - توجه به ابعاد علمی و عملی متربی در عرصه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/۵۹ و ۳/۸۵)؛ ۶. بر اساس اراده و اختیار (همان: ۱/۱۱۰ و ۱۳/۱۹۱)؛ ۷. شکوفاکننده عقل و فطرت (همان: ۴/۱۰۱)؛ ۸. توجه به مراتب (همان: ۳/۵۹ و ۲/۳۰۲-۳۰۰)؛ مراحل (همان: ۴/۱۷۲)

و ساحت‌های گوناگون فردی و اجتماعی (همان: ۳۵۶/۶)، از جمله تربیت جسمانی و روحانی (همان: ۳۵۷/۴) و خانوادگی (همان: ۴، ۱۸۸)؛ ۹. منطبق بر اصول و روش‌های مبتنی بر مبانی توحیدی (همان: ۲۱۱/۱۵)؛ ۱۰. با تزکیه و بالفعل نمودن استعدادها و خالص‌سازی تربیتی (همان: ۱/۳۲۳ و ۴/۱۲۳)؛ ۱۱. جهت رسیدن به کمال و سعادت حقیقی یعنی توحید افعالی، صفاتی، اسمائی و ذاتی برساند (همان: ۱/۳۶۰).

جمع‌بندی

از مجموع مطالب فوق، با روش تحلیل محتوا بر اساس پرسامدترین کلیدواژه‌ها و مفاهیم کدگذاری شده و مفاهیم فوق استنباط شده است، که از مجموع مطالب ارائه شده در تعریف تربیت می‌توان ویژگی‌های اساسی تربیت از منظر عالمان دینی را به دست آورد: ۱. توجه به مراتب وجودی انسان (مادی - معنوی، دنیوی - اخروی)؛ ۲. توجه به ظرفیت‌ها و استعدادهاى انسان در مراتب مختلف؛ ۳. توجه به ابعاد وجودی انسان (نگرش، گرایش، کنش)؛ ۴. توجه به ساحت‌ها و عرصه‌های وجودی انسان؛ ۵. تربیت از منظر اسلام دارای محور توحیدی است و ماموریت‌ها، محتواها و برنامه‌ها تربیتی در ابعاد و ساحت‌های گوناگون بر اساس آن سامان می‌یابد.

تعریف پیشنهادی

با تحلیل الگوهای تربیتی مبتنی بر آموزه‌های دینی، بیانات و سیره عملی اساتید اخلاقی، در تعریف تربیت می‌توان گفت: «فرآیند فعلیت استعدادها با محوریت و غایت توحیدی در همه ابعاد، مراتب و ساحت‌های وجودی از طریق شکوفاسازی عقل و فطرت که در بستر تعاملی بین مربی و متربی تحقق می‌یابد».

باید توجه داشت که تربیت امری فرایندی است و نتیجه نیز امری تشکیکی و ذومراتب است که در هر مرحله فرایند نتیجه مناسب خود را با صرف نظر از نتیجه غایی، دارد. همچنین مهم‌ترین سرمایه‌های علمی و معنوی انسان عقل و فطرت است و معنای اصلی رشد و شکوفایی استعدادها در پرتو رشد و شکوفایی عقل و فطرت حاصل می‌شود که این مطلب در بیانات بزرگان مطرح شد.

دانش تربیت اسلامی

دانش تربیت را برخی «علمی واحد و دانشی مستقل، که همه مباحث مربوط به تعلیم و تربیت و امور وابسته به آن را خود جای دهد» (اعرافی و موسوی، ۱۳۹۰: ۵۷ تا ۷۶) دانسته‌اند. برخی دانش تعلیم و تربیت اسلامی را چنین تعریف نموده‌اند: «عنوانی است که به نیازهای علمی جوامع اسلامی در حوزه تعلیم و تربیت، پس از مواجهه تمدن غرب، اشاره دارد.» (نوذری، ۱۳۹۳: ۱۳/۹ ش ۱۹) همچنین، «یک رشته علمی یا عرصه‌ای مطالعاتی که به بررسی مسایل تعلیم و تربیت از منظر اسلامی می‌پردازد» (لطیفی، پارسانیا، داودی، ۱۳۹۳: ۱۵۳ تا ۱۷۵).

رشته تعلیم و تربیت دینی نیز چنین تعریف شده: «تعلیم و تربیت متخذ از منابع دینی که محققان با استفاده از روش‌های معتبر از متون دینی درباره تعلیم و تربیت استنباط می‌کنند»^۱. بررسی و تحلیل مفاهیم دینی و اهداف و ماموریت‌ها و همچنین منطق و روش دین اقتضا می‌کند، تمام مباحث تربیتی از جمله مبانی آن در دین، ارائه شده باشد. مباحث توصیفی دین، منطبق با عقل و فطرت هستند و میزان آن‌ها نسبت به مباحث تجویزی قابل مقایسه نیست. منظور از ارائه مباحث توصیفی در آیات و روایات صرفاً قرائت و خواندن برای ثواب نیست، هرچند کسب ثواب مهم است، اما مقصود اصلی فهم آن‌ها برای پیاده کردن در زندگی است. این امر منوط به استخراج معارف توصیفی از منابع سه‌گانه قرآن و روایات و عقل است، آن هم فقط با روش اجتهاد ممکن است. باید دانست که استفاده از آیات و روایات در ارائه مبانی و به‌طور کلی مباحث توصیفی، تحول‌شگرفی را در گستره و عمق دانش رقم می‌زند و موجب استحکام، اتقان و وضوح بیشتر مطالب می‌شود. ضمن این‌که نتیجه مباحث بهتر مورد پذیرش عموم جامعه دینی حتا مخالفان فلسفه و مباحث عقلی قرار می‌گیرد.

تعریف پیشنهادی: دانشی از علوم انسانی اسلامی^۲ که در آن همه مؤلفه‌های تربیتی بر اساس

1. <http://tarbiyati.iki.ac.ir/node/147>

۲. علوم انسانی مجموعه دانش‌های مرتبط با ابعاد نگرشی، گرایشی و کنشی انسان در ساحت‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی و تمدنی که درصدد تأمین مصالح زندگی انسان و تنظیم روابط او با جهان هستی است و علوم انسانی اسلامی علوم مرتبط با ابعاد وجودی انسان که بر اساس مبانی اسلام با استفاده از روش اجتهادی جامع از همه منابع معتبر دینی در راستای تعالی و سعادت انسان استخراج می‌شود.

تمام منابع دین با روش اجتهاد جامع استنباط می‌شود. مقصود از اجتهاد مواجهه عقلایی و فطری با پرسش‌ها و چالش‌های گوناگون زندگی جهت ارائه پاسخ‌های معتبر به آن‌ها با استفاده از منابع اصیل دین است که مورد امضای شرع مقدس نیز واقع گردیده است. در علم فقه دوروی‌کرد مهم توصیفی و تجویزی^۱ وجود دارد. روی‌کرد تجویزی که عبارت است از: تلاش برای استنباط بایدها و نبایدهای شرعی در همه عرصه‌های زندگی و روی‌کرد توصیفی که عبارت است از توصیف پدیده‌های انسانی و کشف روابط عینی بین آن‌ها و بیان تاثیر آن‌ها بر یک‌دیگر و تبیین اهداف، مبانی، راهبردها و راهکارهای دینی در عرصه‌های مختلف زندگی که با روش اجتهادی استنباط می‌شود. این دوروی‌کرد در تفقه جامع مشاهده می‌شود که عبارت است از: روش استنباط معارف دین در همه عرصه‌های زندگی با دوروی‌کرد تجویزی و توصیفی.

توضیح این‌که پدیده‌های انسانی کنش‌هایی است که نگرش‌ها و گرایش‌های متناسب با خود را دارد تمام نگرش‌ها و گرایش‌ها و کنش‌های مؤثر در سعادت و شقاوت انسان در آیات و روایات بیان شده و نیاز به استنباط و استخراج عقلایی دارد که از منابع دینی با روش اجتهاد جامع قابل دستیابی است.

یافته‌های پژوهش

در تبیین ساختارمند مؤلفه‌های دانش تربیت اسلامی، یافته‌های پژوهش در دو بخش ارائه می‌شوند که عبارت‌اند از منطق ساختار و مؤلفه‌ها.

۱. منطق ساختار پیشنهادی دانش تربیت اسلامی

ساختارمند بودن مؤلفه‌های دانش به‌عنوان یک اقدام منطقی در ارائه نظام‌مند و روش‌مند دانش از اهمیت خاصی برخوردار است. در این مقاله سخن از ساختار دانش تربیت اسلامی است که مرزهای آن را مشخص می‌کند و با توجه قرار دادن همه مؤلفه‌های دخیل در تولید محتوا و

۱. ر. ک: خارج اصول آیت‌الله اعرافی - <https://www.eshragh-erfan.com/index.php/fa/arafi/skill>

حل مسایل مرتبط با آن، به تبیین مبانی نظری ساختارمند و نسبت میان مؤلفه‌ها می‌پردازد.

الف. مبانی ساختارمندی دانش تربیت اسلامی

مقصود از دانش تربیت اسلامی، بسترسازی برای حل مسأله‌های تربیتی و تعالی فرد و جامعه است. مسأله‌ها به‌یکدیگر از سه بعد نگرش، گرایش و کنش مرتبط است. انسان با کسب آگاهی از حقایق و خوبی‌ها و تقویت میل و انگیزه متناسب با آن، می‌تواند بستر لازم برای تحول را فراهم آورد و با انجام اعمال خوب و اجتناب از رفتارهای بد، به‌ویژه به‌صورت مستمر، موجب تحول در خود شود. در نتیجه سه بعد نگرش، گرایش و کنش در یک‌دیگر تاثیر و تأثر متقابل دارند و هر کنشی، با نگرش و گرایش متناسب با خود تحقق می‌یابد و هر نگرشی، گرایش و کنش متناسب با خود را دارد. همچنین، هر کنشی نیز می‌تواند در نگرش‌ها و کنش‌ها تاثیر بگذارد. بنابراین، لازم است مباحث اساسی و مورد نیاز تربیت در دو محور علم و عمل مورد بررسی قرار گیرد و بر همین اساس ساختار این دانش شکل می‌گیرد، منطق ساختار پیشنهادی دانش تربیت اسلامی در این پژوهش مبتنی بر پیوند و ارتباط همه جانبه علم و عمل تبیین می‌شود و از همین جاست که مؤلفه‌های مطرح در ساختار دانش تربیت اسلامی مربوط به دو محور علمی و عملی انسان است.

۱. تقدم شناخت بر عمل

عمل اختیاری انسان مبتنی بر شناخت است. از این رو، به‌صورت منطقی شناخت مقدم بر عمل است و این ارتباط و پیوند، واقعی و ناگسستنی است. بدون شناخت، هیچ گرایش و رفتاری شکل نمی‌گیرد، زیرا علاقه به‌مجهول مطلق تعلق نمی‌گیرد و عمل به‌تصور و تصدیق فائده و شوق و قصد نیاز دارد. به‌طور مثال فردی که در بیابان شبحی را از دور مشاهده می‌کند به‌صورتی فطری اولین ارتباطی که با آن برقرار می‌کند، می‌خواهد نسبت به آن شناخت پیدا کند که کیست یا چیست؟ اگر بفهمد که موجودی خطرناک است، روحیه ترس و نگرانی و اگر موجود مفید و بی‌خطر است، روحیه آرامش و علاقه در وی ایجاد می‌شود. هر یک از این گرایش‌ها و روحيات رفتار

مناسب خود را در فرد ایجاد می‌کند که می‌تواند نزدیک شدن یا دور شدن باشد. لازم به توجه است، علاقه‌ای که با شناخت مناسب خود شکل گرفته اگر شدت پیدا کرده و نسبت به دیگر علاقه‌ها برای فرد اولویت یابد، می‌تواند سایر شناخت‌ها و رفتارهای دیگر را تضعیف کند. با تحلیل عقلی مطلب بالا ارتباط وثیق جهان‌بینی با ایدئولوژی و مبتنی بودن راهبردها و راهکارها بر ایدئولوژی و جهان‌بینی الهی روشن می‌شود، لذا می‌توان گفت، گرچه مؤلفه‌ها در مقام ارائه دانش همه از سنخ دانش و نظر است، اما مباحث مبنایی و چارچوب‌های نظری به صورت تفصیلی در فهم سایر مؤلفه‌ها تأثیر دارد، همچنین فهم مباحث روشی جزئی، متفرع بر اصول است.

۲. تأثیر شناخت بر کیفیت عمل

از آن‌جا که کیفیت عمل یکی از ویژگی‌های مقوم عمل است، وقتی شناخت مقدم بر عمل باشد، بر ویژگی‌های عمل از جمله کیفیت نیز مقدم خواهد بود. بنابراین، با توجه به پیوند ناگسستنی علم و عمل کیفیت هر عمل از جهت صحت و سقم، قوت و ضعف و کمال و نقصان مرتبط با دانش‌های مربوط به عمل است و هر نقصی که در دانش زیربنایی باشد در عمل نمایان می‌شود. اگر اندیشه درست باشد و دیگر عوامل مؤثر در تحقق عمل فراهم باشد و موانع هم وجود نداشته باشد، رفتار و عمل هم نتیجه بخش و مفید خواهد بود و اگر اندیشه باطل باشد، عمل و رفتار هم معیوب و مخدوش خواهد بود.

بنابراین، لازم است برای ایمنی از انحرافات و اشتباهات در عرصه‌های مختلف، مبنای و اندیشه‌ای که براساس آن عمل صورت می‌گیرد مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد و آگاهانه انتخاب شود.

ب. نسبت میان مؤلفه‌های ساختار دانش تربیت اسلامی

در ساختار دانش تربیت با مؤلفه‌بندی مسایل سعی شده به همه مباحث تربیت پرداخته شود. مباحث تربیت بر دو گونه است: بخشی از مباحث مربوط به اندیشه و از جنس اخبار و توصیف و بخشی دیگر ناظر به عمل و از جنس انشا و تجویز است.

در مطلب قبل، تقدم شناخت بر عمل بیان شد و روشن شد مؤلفه‌های مربوط به شناخت، مبنا و اساس برای فهم و اثبات مؤلفه‌های مرتبط با عمل است، مانند مبانی که مشتمل بر مسایل نظری مربوط به هستی، انسان، ادراک، شناخت و ارزش‌ها است. بدون تبیین و سامان دادن به این مباحث مطرح نمودن دیگر مؤلفه‌ها غیر علمی و نادرست است زیرا تاثیر نتایج این مباحث در کیفیت محتواها و مباحث دیگر مؤلفه‌ها، تعیین کننده است. این ابتدا از واضحات عقلی و فطری است. به عنوان مثال چقدر فرق است بین این که مبنای تربیت توحید باشد یا مادی‌گرایی و نفی وجود خدا. اگر توحید پذیرفته شود همه مؤلفه‌ها بر اساس توحید تبیین می‌شود و اگر کفر و مادی‌گرایی پذیرفته شود همه مؤلفه‌ها از اهداف تا اصول و راهکارها و برنامه همه بر مبنای نفی خدای متعال شکل می‌گیرد. چنانکه مؤلفه‌های کلی و راهبردی مقدم بر مؤلفه‌های ناظر به روش‌های جزئی است. بنابراین، مؤلفه‌های دانش تربیت اسلامی، بدین گونه تبیین می‌شود:

اولین مؤلفه، مبانی است که عبارت است از، مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی که مربوط به بخش نظری و شناختی دانش تربیت است و دیگر مباحث از اهداف و اصول و... مبتنی بر آن است، توضیح این که، هر انسانی در وضعیت ناخوشایند موجود برای رسیدن به وضعیت مطلوب، می‌خواهد ابتدا موقعیت خود را شناخته و نسبت به واقعیت‌های پیرامونی آن شناخت پیدا کند (هستی‌شناسی^۱) در گام بعد، شناخت از خود و توانمندی‌ها و نقاط قوت و ضعف و تهدیدها اهمیت دارد (انسان‌شناسی) و در گام بعد اصالت و اعتبار آنچه که درک می‌کند و این که مطابق با واقع است، مورد توجه قرار می‌گیرد (معرفت‌شناسی) و پس از آن می‌خواهد ارزشمندی و نتیجه‌مند بودن سعی و تلاشی که صورت می‌دهد را بداند (ارزش‌شناسی).

مبانی تربیت از اصول موضوعه و پیش فرض‌هایی است که باید در خارج از دانش تربیت بررسی و اثبات شود، اما از آن جا که این مبانی با روش اجتهادی جامع تولید نشده و آنچه ارائه

۱. علت مقدم کردن هستی‌شناسی بر معرفت‌شناسی این است که باید واقعیتی وجود داشته باشد تا معرفت به آن تعلق یابد، آیت الله مصباح نیز هستی‌شناسی را مقدم بر معرفت‌شناسی می‌داند اما با توجه به شبهات مطرح شده از سوی غربی‌ها و اولویت پاسخ به آنها، ابتدا معرفت‌شناسی را در آموزش فلسفه بیان کرده‌اند (مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۱۵۶)

شده با رویکرد عقلی فلسفی است، بنابراین، لازم است که در دانش تربیت در کنار دیگر مباحث تربیتی با روش اجتهاد جامع تولید شود.

منطق استنباط مبانی با روش اجتهادی بر این اساس است که مباحث توصیفی دین بیشترین حجم آیات و روایات را به خود اختصاص داده است، و این نشان از اهمیت پیاده‌سازی این معارف در زندگی انسان دارد گرچه می‌توان با رویکرد عقلی مبانی را به دست آورد، ولی این رویکرد نیاز به تکمیل دارد، زیرا از سویی مجموعه‌ای از اختلاف نظرها در مباحث عقلی وجود دارد و از سویی دیگر توان‌مندی فکری و شکوفایی عقول در انسان‌ها یکسان نیست، بنابراین، اکتفای به آن همراه با نواقص بوده و نمی‌توان برای دست‌یابی به گستره و عمق مطلوب در معارف صرفاً به منبع عقل اکتفا کرد، از این رو برای استحکام و اتقان هرچه بیشتر نتایج به دست آمده باید از دیگر منابع هم استفاده کرد و این مقصود با بهره‌گیری از روش اجتهاد جامع تحقق می‌یابد. بعد از مبانی، توجه تفصیلی به اهداف و مشخص نمودن مقصدی که انسان باید به آن‌جا برسد ضروری است. گرچه توجه اجمالی به هدف به این صورت که در موقعیت مناسبی به سر نمی‌برد یعنی از وضعیت موجود خود را برهاند و به وضعیت مطلوب برساند. از آن‌جا که اهداف تربیتی منطبق بر عقل و فطرت است، الثفات اجمالی به آن‌ها از ابتدا وجود دارد اما نظر تفصیلی و تدوین آن‌ها، توقف منطقی بر تبیین و تدوین مبانی دارد.

بعد از هدف‌گذاری، نوبت به حرکت و عمل می‌رسد و قبل از هر اقدامی، نیازمند آگاهی از کلان‌روش‌ها و اطلاعات کلی و راهبردی (اصول) است که تکلیف انسان را نسبت به اصل راه و مسیر و چگونگی پیمودن آن از ابتدا تا انتها مشخص می‌کند.

در ادامه بعد از اصول، روش مورد توجه قرار می‌گیرد، زیرا آگاهی‌های دیگری که در طی طریق و پیمودن مسیر به آن‌ها نیاز ضروری وجود دارد، آگاهی‌های کاربردی و جزئی است که وظیفه و تکلیف انسان را در قدم به قدم و گام به گام حرکت و تلاش در مسیر رسیدن به هدف مشخص می‌کند. در گام بعد برای حرکت به سوی اهداف، به عوامل یعنی پیش‌برنده‌ها، تقویت‌کننده‌ها و سرعت‌بخش‌ها و استفاده از همه آنچه تاثیر مثبت در سیر و طی طریق دارند و باعث سرعت می‌شوند، نیاز است.

پس از آغاز سیر به سوی اهداف که با عوامل شروع می‌شود، توجه به موانع سیر یعنی اموری که باعث توقف، عقب‌گرد، کندی سیر و حرکت و یا انحراف از مسیر صحیح می‌شوند لازم است. همچنین تدریجی بودن سیر، اقتضا می‌کند مراحل مختلفی ایجاد شود. بنابراین، گام بعدی توجه به مراحل و مقاطع مختلف سیر است که تفاوت هر مقطع با مقاطع دیگر در اهداف و روش‌هایی است که به کار گرفته می‌شود.

مؤلفه‌های بالا گرچه ناظر به مقام عمل است اما تبیین علمی آن قبل از مقام عمل در دانش صورت می‌پذیرد.

در گام بعد به آثار گوناگون که در تربیت جهت‌دهنده و بسیار انگیزه‌بخش است و در ایجاد شور و نشاط در سیر و حرکت تربیتی تأثیر به‌سزایی دارد، پرداخته می‌شود.

آثار، نتایج فعالیت‌های تربیتی که به تدریج حاصل می‌شود. یکی از نسبت‌ها میان اهداف و آثار این است که اهداف، نتایج پیشینی و آثار، نتایج پسینی است همچنین می‌توان گفت اهداف بیشتر با انتخاب آگاهانه به‌دست می‌آیند، اما برخورداری از آثار ممکن است بدون آگاهی باشد. همچنین با نظر به این‌که انسان دارای ابعاد، مراتب و روابط گوناگونی است این ویژگی موجب در نظر گرفتن سیر تربیتی در عرصه‌ها و ساحت‌های مختلف است.

برنامه‌ها، آخرین مؤلفه‌ای است که مبتنی بر دیگر مؤلفه‌ها است و از محتوای همه آن‌ها باید در برنامه استفاده شود، در حقیقت، دستور العمل جامع در راستای تحقق اهداف تربیتی است.

۲. مؤلفه‌های ساختار دانش تربیت

دین برنامه جامع تربیتی الهی برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها و همه ابعاد و عرصه‌های زندگی است و دانش تربیت، دانشی که به دنبال شناساندن چگونگی پرورش همه جانبه انسان است. دانش تربیت مشتمل بر مؤلفه‌هایی است که هریک در صدد تبیین علمی و عملی بخش‌های مختلف این دانش است که فرد با استفاده از آن در کشف و حل مسأله‌های تربیتی خود و دیگران توانمند می‌شود. در ادامه به تفصیل هریک از مؤلفه‌ها از منظر اندیشمندان دانش تربیت تعریف و مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و تعریف مختار بیان می‌شود.

۲/۱: مبانی

برای مبانی تربیت، تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است، از جمله: «گزاره‌هایی خبری که یا بدیهی‌اند یا از دانش‌هایی دیگر وام گرفته می‌شوند و برای تعیین اهداف، اصول، ساحت‌ها، مراحل، عوامل، موانع و روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی به کار می‌روند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۶۵) گویا در این تعریف مقصود از عبارت «برای تعیین... به کار می‌روند»، مبتنی بودن اهداف و اصول و... بر مبانی است. همچنین، مبانی مباحثی دانسته شده که از دانش‌های دیگر وام گرفته شده در صورتی که می‌توان مبانی را از همه منابع دین با روش اجتهادی استخراج کرد. توضیح این‌که مبانی دین در همه منابع آمده است و در تولید مبانی، باید از همه منابع استفاده کرد، تنها سازوکاری که این امر را محقق می‌کند، اجتهاد جامع است که در آن با توجه به ویژگی جامعیت، هم به مباحث تجویزی و هم به مباحث توصیفی پرداخته می‌شود. برخی گفته‌اند: مبانی سلسله معارف نظری است که جنبه‌های مختلفی از یک موضوع انسانی را در بردارند، این معارف با بینش‌ها و باورها و احکام ناظر به هست و نیست‌ها سروکار دارند (رهنمایی، ۱۳۸۸: ۶۸).

گویا مراد از معارف نظری، در این تعریف معارف عقل نظری است اما اگر مقصود، معارفی است که بدیهی نیست، باید گفت برخی معارف از جمله بدیهیات است، مثل اصل وجود خداوند، همچنین در این تعریف عبارت «موضوع انسانی» ابهام دارد. افزون بر این عبارت «سروکار دارند» هم وضوح لازم را ندارد به این معنای که ارتباط مورد نظر در چه سطحی قرار دارد؟

تعریف پیشنهادی

با توجه به این‌که منظور از مبانی مجموعه معارف نظری است که زیرساخت مباحث تربیت را شکل می‌دهد و وقتی سخن از دانش تربیت اسلامی است باید مبانی آن از مجموع منابع معتبر دین با روش اجتهادی اخذ شود می‌توان گفت، منظور از مبانی، «مجموعه معارف هستی‌شناسی^۱، انسان‌شناسی^۲،

۱. مجموعه مباحث در راستای شناخت هست‌ها و نیست‌ها.

۲. مجموعه مباحث در راستای شناخت جامع انسان که مربوط به ذات (وجود)، ابعاد وجودی، مراتب وجودی،

معرفت‌شناسی^۱ و ارزش‌شناسی^۲ برگرفته شده از عقل، فطرت، قرآن و روایات که تعیین اصول، اهداف، عوامل، موانع، روش‌ها، ساحت‌ها و آثار و نتایج تربیت، مبتنی بر آن است».

۲/۲. اهداف

برخی معتقدند، مقصود از اصطلاح هدف در تربیت، نتیجه‌ای است که با انجام دادن رفتارهای مشخص و برنامه‌ریزی شده حصول آن از دیدگاه صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان و نه لزوماً از دیدگاه خود متعلمان و متریبان مطلوب است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۲۱۵). این تعریف جای تأمل دارد زیرا رسیدن به اهداف صرفاً با رفتار محقق نمی‌شود و تفکر در تحول تربیتی، براساس آیات و روایات، جایگاه محوری دارد، بنابراین، اهداف با بسته‌های ترکیبی مشتمل بر دستورالعمل‌های فکری و عملی، قابل وصول است. همچنین در تعریف اهداف گفته شده: اهداف، غایاتی هستند که بر پایه مبانی استخراج می‌گردد. اهداف، در مبانی فلسفی، دینی و علمی ریشه دارند و سلسله‌مراتبی از اهداف نهایی تا اهداف متوسط و قریب را شامل می‌شود (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱۱/۲۱) اهداف، کمالات طبیعی و فطری هستند که ظرفیت و استعداد رسیدن به آنها در وجود انسان قرار داده شده است که در این تعریف نسبت به این ویژگی‌های اهداف ابهام دارد. همچنین به اهداف عرضی که تکامل در عرصه‌های مختلف (علمی، معنوی، اجتماعی و...) در هر مرتبه وجودی است، توجه نشده است.

تعریف پیشنهادی

طیف وسیعی از کمالات وجودی که متریبی فاقد آن است ولی ظرفیت رسیدن به آن‌ها در او موجود است که با به‌کارگیری روش‌ها و برنامه‌های تربیتی فعلیت می‌یابد و دارای سلسله‌مراتبی

قوای درونی و بیرونی و مبدا و منتهای انسان و منازل و حالات انسان در دنیا و آخرت است.

۱. مجموعه مباحثی درباره حقیقت معرفت انسان و بیانگر منابع، ابزار، راه‌ها، انواع و اعتبار سنجی معرفت انسان است.

۲. مجموعه مباحثی که بیانگر چیستی، انواع، معیار و شاخص، ثابت و متغیر بودن، مطلق یا نسبی بودن و تراحم میان ارزش‌ها است و منشأ و مبدأ ارزش‌ها را بیان و تأثیر نگرش، گرایش و کنش در نظام ارزش‌شناسی انسان را بررسی می‌کند.

از اهداف طولی ابتدایی (قریب)، متوسط تا نهایی است، چنانکه دارای اهداف عرضی نیز هست که برخی خاص و برخی عام است.

۲/۳: اصول

در تعریف اصول تربیت گفته‌اند: اصول تربیتی، گزاره‌های تجویزی و کلی هستند که از آن‌ها برای پاسخ به مسایل تعلیم و تربیت استفاده می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۲۹۳). این گزاره‌ها از اهداف و مبانی به دست می‌آیند و راهنمای روش‌ها و اقدامات در تعلیم و تربیت قرار می‌گیرند (همان: ۲۹۱).

با توجه به این که انسان افزون بر عمل ظاهری، عمل فکری و قلبی نیز دارد، بنابراین، تجویزهای کلی صرفاً ناظر به کنش نیست بلکه برخی تجویزهای کلی، ناظر به عمل فکری و قلبی است. بعضی نیز گفته‌اند: «اصول»، قواعد عام و از عناوین انتزاعی حاکم بر روش‌ها و از قبیل حالت‌ها، اطوار و چگونگی انجام افعال است (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱۱/۲۱).

برخی معتقدند، «اصل» امری عینی و واقعی ناظر به رابطه مقرر میان پدیده‌ها است (شعاری‌نژاد، ۲۷۶: ۱۳۹۵).

در این تعریف به ویژگی مهمی در اصول توجه داده شده که اصول بیانگر رابطه واقعی و عینی میان پدیده‌ها است، این ویژگی در تعاریف دیگر تحت عنوان مبتنی بودن اصول بر مبانی و اهداف اشاره شده است، اما این تعریف در ویژگی‌های امر عینی و پدیده‌ها و چگونگی رابطه ابهاماتی دارد. و برخی دیگر گفته‌اند: اصول، نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی است که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، مدیران و والدین دانش آموزان در کلیه اعمال تربیتی باشد (شریعتمداری، ۱۳۹۴: ۱۱؛ باقری، ۱۳۹۵: ۶۸).

در این تعریف کلیت در موارد مختلف امری نسبی دانسته شده که ممکن است مورد نقضی در اقدامات عملی پیدا کند اما این چنین نیست که اصول فقط مربوط به عمل ظاهری باشد، نقد دیگر این که به مبتنی بودن اصول بر مبانی و اهداف توجه نشده است. یکی دیگر از ویژگی‌های اصول، جای‌گزین ناپذیری آن است که در تعریف‌های گذشته به آن تصریح نشده است.

تعریف پیشنهادی: اصول، گزاره‌های کلی تجویزی با دوام و جای‌گزین ناپذیر در عرصه‌های نگرشی، گرایشی و کنشی که مبتنی بر مبانی و اهداف و حاکم بر روش‌ها، است.

۴/۲ روش‌ها

روش در اصطلاح تربیتی چنین معنا شده: روش... در علوم عملی مانند... تعلیم و تربیت، به‌راهی که برای رسیدن به هدفی عملی اتخاذ می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۴۴۵). هدف عملی در این تعریف می‌تواند شامل عمل ظاهری و باطنی یعنی فکری و قلبی باشد. در دانش تربیت، روش‌ها، مکانیسم‌های ایجاد تغییر رفتار و خصوصیات در مرتبه‌ای است که در مقایسه با اصول از تعیین و تشخیص بیشتر و کامل‌تری برخوردار هستند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۵: ۲۰). در این تعریف هم باید توجه داشت این مکانیسم‌ها یا به تعبیری سازوکارها می‌تواند عمل ظاهری یا رفتار یا از جنس عمل باطنی و فکر و اندیشه باشد ضمن این‌که این مکانیسم‌ها می‌تواند موجب تغییر افکار هم باشد. در تعاریف فوق به‌جای‌گزین‌پذیری روش توجه نشده است. و در تعریف دیگری آمده است: «روش» از مقوله عمل و اقدام است و به‌فعالیتی می‌گویند که از مربی صادر می‌گردد تا استعداد مربی را شکوفا سازد و او را به سمت هدف تربیتی سوق دهد (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱۱/۲۲).

در این تعریف، مشخص نیست که مراد از عمل و اقدام، عمل ظاهری و رفتار است یا اعم از عمل باطنی و فکر و اندیشه، همچنین تربیت سازوکاری برای شکوفایی استعدادها در مرتبه‌ای است و انسان موجود پیچیده‌ای است که اقدامات او بر اساس انتخاب و اختیار است و تا رفتار تربیتی مربی از جانب مربی پذیرفته و به‌کار گرفته نشود اثر تربیتی حاصل نمی‌شود، بنابراین، تربیت بستری است که دو طرف دارد. مربی و متربی و نتیجه تربیت با قبول و پذیرش مربی محقق می‌شود. تشخیص و جزئیات لازم نسبت اصول با روش است، و در تربیت روش‌ها جای‌گزین‌پذیر هستند و منحصر به‌فرد نیستند که در این تعریف به‌تشخص و جزئیات و جای‌گزین‌پذیر بودن روش اشاره نشده است.

تعریف پیشنهادی

روش‌ها، راهکارهای ایجاد تغییر و تحول تدریجی در نگرش و کنش در راستای رسیدن به اهداف

است، که اصول حاکم بر آن‌ها است و از تشخیص و جزئیت برخوردار بوده و جای‌گزین‌پذیر است.

۲/۵ عوامل

در باره عوامل گفته شده: افراد با شرایط و زمینه‌های قبلی متفاوتی که دارند تحت تعلیم و تربیت قرار می‌گیرند و همچنین امور مختلف در تعلیم و تربیت آن‌ها به‌گونه‌ای تاثیر می‌گذارند... البته به لحاظ فلسفی امور مزبور تفاوت‌هایی دارند برخی مقتضی و برخی مانع نامیده می‌شود و برخی شرط تاثیر مقتضی یا مانع هستند خود شرایط نیز برخی وجودی‌اند و برخی عدمی و... آنچه مهم است شناسایی اموری است که در تعلیم و تربیت تاثیر مثبت یا منفی دارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۳۷۹).

برای تنظیم مناسب مباحث، مجموعه اموری که تاثیر مثبت در سیر تربیتی دارند به‌عنوان عوامل دسته بندی می‌شود و مجموعه اموری که می‌توانند در سیر تربیتی بازدارنده و یا متوقف کننده باشند، به‌عنوان موانع مطرح می‌شوند.

همچنین باید توجه داشت عوامل اموری هستند که تاثیر مهم و چشمگیر دارند (مریی، والدین، دوست، محیط، در راس همه خداوند متعال و اولیاء الهی و...) و إلا مجموعه فراوانی از امور می‌توانند در تربیت تاثیر داشته باشند، تاثیر نیزگاهی به‌گونه‌ای است که بودن آن رسیدن به هدف را ممکن، گاهی تسهیل و گاهی تسریع می‌کند.

تعریف پیشنهادی

اموری که تاثیر تعیین‌کننده در تربیت دارند و مرتبی را به‌سوی اهداف تربیتی پیش برده، رسیدن به آن را ممکن، تسهیل و یا تسریع می‌کنند.

۲/۶: موانع

در معنای اصطلاحی موانع چنین گفته شده است: اموری که از تاثیر عوامل تعلیم و تربیت جلوگیری می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۳۷۹). جلوگیری نمودن مصادیق گوناگونی دارد گاهی

به معنای توقف حتا عقب‌گرد و گاهی به معنای انحراف از مسیر درست است.

تعریف پیشنهادی: مجموعه اموری که در تربیت تاثیر منفی دارند و مرتبی را از رسیدن به اهداف تربیتی بازداشته یا رسیدن به آن اهداف را بر او دشوار می‌سازند (بازدارنده‌ها).

۲/۷: آثار

اثر نتیجه‌ای که از فعالیت و پیاده‌سازی برنامه تربیتی یا تخطی از آن حاصل می‌شود بنابراین، آثار به دو قسم مثبت و منفی تقسیم می‌شود.

تعریف پیشنهادی: آثار، نتایجی است که از فعالیت و پیاده‌سازی برنامه تربیتی یا تخطی از آن حاصل می‌شود و بر سه دسته دنیوی، اخروی و معنوی است (سعادت پرور، ۱۳۸۸: ۳۲۷).
از منظر علامه آثار معنوی، عالی‌ترین آثار مترتب بر عمل است و آثار اخروی آثار متوسط مترتب بر عمل است، علامه طباطبایی از نتایج اخروی تعبیر به حق نازل و کمال متوسط کرده و از کمالات بالاتر که در این نوشتار تعبیر به آثار معنوی شده به محض حق و اقصی الکمال تعبیر نموده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱، ۳۵۶ و ۳۶۱).

منظور از آثار معنوی، آثاری است که مربوط به حیات باطنی انسان در مراتب متعالی وجودی که از آن تحت عناوینی چون قرب، لقاء و وصال الهی و... تعبیر می‌شود.

۲/۸: مراحل

در اصطلاح، مراحل چنین تعریف شده است: مجموعه‌هایی از فعالیت‌های تعلیم و تربیت که هر یک دامنه‌ای محدود دارند و در مجموع از نظر زمانی در طول یک‌دیگر و مترتب بر هم در نظر گرفته می‌شوند و ناظر به شرایط و ویژگی‌های عادی و معمولی هستند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۳۳۷).
با توجه به این که انسان که دارای دو بعد ظاهر و باطن و به تعبیری دیگر جسم و جان است قابلیت تربیت در هر دو بعد را دارد، با قرار گرفتن در مسیر رشد و تحول تدریجی، و ظهور تفاوت‌هایی در مرتبی از منظر جسمی و یا فکری و معنوی، مقاطع و دوره‌هایی در تربیت حاصل می‌شود که هر مقطع از نظر هدف و برنامه تربیتی با مقاطع دیگر تفاوت دارد.

تعریف پیشنهادی: مرحله، مقطعی خاص از رشد جسمی، فکری و معنوی متربی است که در آن مقطع، ظرفیت و توان متفاوتی پیدا می‌کند. تفاوتی نمایان که در آن هدف‌گذاری و به‌کارگیری روش و ابزار و برنامه تربیتی مناسب خود را می‌طلبد.

۲/۹: ساحت‌ها

آیت‌الله مصباح (ره) در تعریف ساحت گفته‌اند: «ساحت» حوزه، محدوده و دامنه خاصی است که مجموعه‌ای از رفتارها و فعالیت‌های تعلیم و تربیت در آن حوزه و دامنه قرار می‌گیرد، مشروط بر آن که اولاً حوزه‌های مزبور در عرض یک‌دیگر باشند، ثانیاً این حوزه‌ها برای انسان از آن جهت که انسان است، در نظر گرفته شده باشند و نه از جهت ویژگی‌ها، استعدادها یا نیازهای فرد یا جامعه‌ای خاص... نیازهای مشترک و هم‌عرض انسان‌ها، معیار تقسیم حوزه‌های تعلیم و تربیت قرار می‌گیرند. (مصباح یزدی؛ ۱۳۹۰: ۳۲۳-۳۲۴). ایشان، ساحت‌های تربیتی را با توجه به‌بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای انسان تقسیم‌بندی کرده، ساحتی از تعلیم و تربیت را که ناظر به‌رابطه شخص با خودش است ساحت شخصی، ساحتی که ناظر به‌رابطه شخص با انسان‌های دیگر است ساحت جمعی، ساحتی که ناظر به‌رابطه او با طبیعت است ساحت طبیعی، و ساحتی را که ناظر به‌رابطه انسان با ماورای طبیعت و در رأس آن خدای متعال است، ساحت الهی نامیده‌اند، آن‌گاه با توجه به‌گسترده‌گی رابطه انسان، با انسان‌های دیگر، ساحت جمعی را قابل تقسیم به‌ساحت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی دانسته است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۳۲۶-۳۲۸).

در سند تحول راهبردی نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ساحت‌های تربیت را اینچنین برشمرده‌اند: ۱. ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ ۲. ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی؛ ۳. ساحت تربیت زیستی و بدنی؛ ۴. ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری؛ ۵. ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛ ۶. ساحت تربیت علمی و فناوری (شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۰).

تحلیل و بررسی: مقصود اصلی از ساحت‌بندی، ارائه آسان، منسجم و کارآمد مباحث تربیتی است بنابراین، تقسیماتی که درباره ساحت‌ها صورت گرفته، نمی‌تواند بر اساس حصر

عقلی باشد نهایتاً بر اساس حصر استقرائی است که می‌تواند اضافه یا کم شود. در ساحت‌بندی مباحث تربیتی باید به سه محور مراتب وجودی^۱، ابعاد وجودی (نگرش، گرایش، کنش) و روابط گوناگون توجه شود زیرا اول این که انسان مراتب و درجات وجودی متعدد دارد (طباطبایی؛ ۱۳۹۰: ۱/۳۰۲-۳۰۰). دوم این که انسان دارای ابعاد سه‌گانه نگرش، گرایش و کنش است، همچنین از منظر دیگر انسان موجودی با ارتباط‌های گوناگون از جمله ارتباط با خداوند، خود و دیگران است. ارتباط با دیگران در بستر خانواده و یا جامعه شکل می‌گیرد. ارتباط در بستر جامعه از جهات گوناگون معیشت و اقتصاد، قانون، حاکمیت و سیاست، فرهنگ و تمدن و علم و هنر است. همچنین نوع دیگر ارتباط انسان، ارتباط با محیط است که یا با اشیای طبیعی مثل زمین، آب و... است و یا مصنوعی مثل اختراع‌شده‌های بشری است. ارتباطی که انسان با بیرون از خود برقرار می‌کند می‌تواند در ابعاد مختلف نگرشی، گرایشی و رفتاری باشد.

تعریف پیشنهادی: مقصود از ساحت، محدوده خاصی از تربیت است که با توجه به مراتب، ابعاد وجودی و روابط گوناگونی که انسان با سایر موجودات دارد، از دیگر محدوده‌های تربیتی در اهداف، روش‌ها و برنامه‌ها امتیاز پیدا می‌کند.

۲/۱۰: برنامه‌ها

در برخی یادداشت‌ها برنامه تربیتی چنین تعریف شده: برنامه تربیتی، یک نقشه اجرایی عملیاتی است که به صورت هوشمندانه و هدف‌مند طراحی شده است. در این عملیات، مخاطب مشخصی از نظر سن و جنسیت، حرکتی را در جهت یک هدف تربیتی دقیق آغاز می‌کند. مربی نیز جزئی از این حرکت است و در کنار مربی حضور خواهد داشت^۲.

۱. انسان دارای ظاهر و باطن است که باطن او هم باطن بلکه باطن‌ها دارد، از همینجاست که برای اسلام و ایمان مراتبی ذکر شده است (رک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص: ۳۰۱-۳۰۳) از مراتبی بودن ویژگی‌ها و کمالات انسان، مراتبی بودن وجود او هم ثابت می‌شود.

۲. دیده شده در: <https://ghadir.school/>

برنامه مهم‌ترین بخش عملی تربیت است که بدون آن از مباحث نظری نتیجه عینی حاصل نمی‌شود، بنابراین، مکاتب تربیتی بدون ارائه برنامه در رسیدن به اهداف خود موفق نیستند، دین مقدس اسلام نیز به‌عنوان کامل‌ترین مکتب تربیتی دارای برنامه است که باید این برنامه را در ابعاد^۱، مراتب، مراحل و ساحت‌های مختلف از منابع معتبر دینی به‌ویژه آیات و روایات باروش اجتهادی استنباط نمود، همه برنامه‌های تربیتی در ساحت‌های گوناگون ذکر شده باید متناسب با آن مرتبه و درجه وجودی باشد.

تعریف پیشنهادی: مجموعه دستورالعمل‌های فکری و عملی نظام‌مند مبتنی بر مبانی و اصول تربیتی در راستای اهداف، با توجه به شرایط و عوامل مؤثر درونی و بیرونی در ابعاد، مراتب، مراحل و ساحت‌های زندگی، توسط مربی ارائه و توسط متربی پیاده‌سازی می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به تبیین ساختار دانش تربیت اسلامی پرداخته شد و نتایج ذیل به دست آمد:

۱. مؤلفه‌های تربیت ناظر به بخش‌های مختلف مباحث تربیتی هستند که رابطه‌ای منطقی و نظام‌مند نسبت به یکدیگر دارند و پرداختن به همه آن‌ها برای آشنایی کامل علمی با مباحث تربیتی لازم است و موجب به دست آوردن توان‌مندی مناسب در دست‌یابی و پیاده‌سازی اهداف تربیتی می‌شود.
۲. مؤلفه‌های دانش تربیت عبارتند از: مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها، عوامل، موانع، آثار، ساحت‌ها، برنامه‌ها و مراحل تربیت.

منابع

* قرآن کریم

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، *کفایة الأصول* (طبع آل البيت)، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.

۱. مقصود از ابعاد، ابعاد سه‌گانه نگرش، گرایش و کنش انسان است.

۲. ابن درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، بیروت، ۱۹۸۸ م.
۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل، *المحکم و المحيط الأعظم*، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، قم، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۶. ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
۷. اعرافی، علی رضا، *فقه تربیتی*، موسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان، ۱۳۹۵ ش، قم.
۸. اعرافی، علی رضا، موسوی، سید نقی، *مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ ش.
۹. آصف آگاه، سید محمد رضی و اسلامی، رضا، *بررسی ساختارهای پیشنهادی علم فقه از منظر فقیهان پیش از شهید صدر*، دوفصلنامه مدیریت دانش اسلامی، ۱۳۹۹، دوره ۲.
۱۰. آقا بخشی و افشاری راد، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران مرکز مطالعات علمی ایران، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، موسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)، ۱۳۹۵، تهران.
۱۲. جمعی از نویسندگان زیر نظر محمد تقی مصباح یزدی، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، ۱۳۹۰ ش، قم.
۱۳. جمعی از نویسندگان، *درآمدی بر نظام نامه تربیتی المصطفی*، ۱۳۹۷، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم.
۱۴. جمعی از نویسندگان، *علوم انسانی، اسلام و انقلاب*، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۱.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*، قم، اسراء، ۱۳۸۴.
۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، بیروت، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ق.
۱۷. حاجی ده‌آبادی، محمد علی، *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع)، ۱۳۹۵ ش، قم.
۱۸. حسن بن شهید ثانی، *معالم‌الدین و ملاذ المجتهدین*، مؤسسه النشر الإسلامی، بی‌تا، قم.

۱۹. حسنی، حمیدرضا، علی پور مهدی، *پارادایم اجتهادی دانش دینی* (پاد)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۹.
۲۰. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۳. *لغت نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
۲۱. دیلتای، ویلهلم، *مقدمه بر علوم انسانی*، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۹.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۲ ق.
۲۳. رهنمایی، سیداحمد، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت ارزش‌ها*، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸ ش، قم.
۲۴. زبیدی، مرتضی، محمد بن محمد، *تاج العروس*، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۲۵. سعادت پرور، علی، *فروع شهادت*، جلد ۱، احیاء کتاب، تهران، چاپ: سوم، ۱۳۸۸ ش.
۲۶. شریعتمداری، علی، *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، امیرکبیر، ۱۳۹۴، تهران.
۲۷. شعاری نژاد، علی اکبر، *فلسفه آموزش و پرورش*، امیرکبیر، ۱۳۹۵، تهران.
۲۸. صاحب، اسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۲۹. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ۲۰ جلد، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۳۹۰ ق.
۳۰. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تهران، چاپ: سوم، ۱۳۷۵ هـ ش.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، *العدة فی أصول الفقه*، ناشر: محمد تقی علاقبندیان، ۱۴۱۷ ق، قم.
۳۲. علی پور، مهدی، *چشم اندازی به سیرتاریخی تبویب علم اصول*، ۱۳۷۵، قم، کنگره بین المللی شهید صدر.
۳۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، ۱۴۰۹ ق.
۳۴. فروند، ژولین، *نظریه‌های مربوط به علوم انسانی*، ترجمه علی محمدکاردان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.
۳۵. فضل‌ی، عبدالهادی، *خلاصه المنطق*، مطبوعات دینی، ۱۳۷۶، قم.
۳۶. فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، قم، ۱۴۱۴ ق.

۳۷. لطیفی علی، پارسانیا حمید، داودی محمد، مقاله بررسی روش‌شناسی دانش تربیت اسلامی بر اساس روی‌کرد اسلامی‌سازی معرفت، دوفصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی/س ۹، ش ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صفحات ۱۵۳-۱۷۵.
۳۸. مصباح یزدی، محمدتقی، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، پژوهش و نگارش غلامرضا متقی فر، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱.
۳۹. مصباح یزدی، محمدتقی، رابطه علم و دین، پژوهش علی مصباح یزدی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۲.
۴۰. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، جلد ۱، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.
۴۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، انتشارات صدرا، بی‌تا، تهران.
۴۲. معین محمد، فرهنگ معین، زرین، تهران، ۱۳۸۶.
۴۳. مومنی، عابدین، اصول عملیه در نگاه شیخ انصاری و امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۸۵.
۴۴. نوذری، محمود، بررسی وضعیت دانش و تعلیم و تربیت اسلامی به‌منزله رشته علمی و دانشگاهی، مجله تربیت اسلامی/س ۹/ش ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.

منابع اینترنتی

۴۵. گروه تربیت مؤسسه امام خمینی: <http://tarbiyati.iki.ac.ir/node/۱۴۷>
۴۶. دایره المعارف راتلج: <https://www.rep.routledge.com/about>
۴۷. شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). تهران: دیده شده در: <https://csdeo.ir>
۴۸. شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول راهبردی نظام تعلیم تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی (۱۳۹۰). دیده شده در سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی: <https://sccr.ir/>
۴۹. رشاد، علی اکبر، منطق طبقه‌بندی علوم انسانی، مندرج در: <https://rashad.ir>
۵۰. مؤسسه اشراق و عرفان: <http://www.eshragh-erfan.com>